

نگاره های حماسی

■ نگاره های حماسی

■ نوشته: محمدحسین عصمتی



از آنجا که اصیل ترین نوع حماسه در تفکر دینی به ظهور می رسد و سراسر تاریخ اسلامی را جلوه هایی از حماسه و عرفان دربر گرفته، لذا در فصل دوم به مبادی حماسه اسلامی پرداخته شده است. پیرامون موضوع این حماسه ها کتب فراوانی وجود دارد اما در باب حقیقت و منشأ آن، کتب مستقلی تألیف نشده که این مطلب نیز از زمره مشکلات تحقیق به شمار می آید. برای فهم حقیقت حماسه، مراجعه به فتوت نامه ها و آئین جوانمردی و عیاری و قلندری راه گشای تحقیق شد و از این طریق بود که به تدریج مسیر این تحقیق به سوی منابع عرفانی و اخلاقی باز شد. با مطالعه و بررسی این منابع منشأ و مبانی حماسه در اسلام در حد امکان مورد شناسایی قرار گرفت و در پیشبرد تحقیق تأثیر فراوانی گذاشت.

قبل از بررسی آثار لازم بود به نحو اجمالی به تأثیر حماسه و حقیقت آن بر ساختار نگارگری پرداخته شود لذا در فصل سوم برای ایجاد مدخلی جهت ورود به مصادیق آثار حماسی تأثیر حماسه بر ساختار نگارگری مورد بحث قرار گرفته است.

در فصل چهارم ده اثر از نمونه های بارز آثار نگارگری که برگرفته از مضامین شاهنامه فردوسی هستند انتخاب شده و مورد بررسی قرار گرفتند. برای بررسی این آثار، ابتدا اشعار مربوط به داستان، مورد توجه قرار گرفته و سپس در تطبیق اولیه با نگاره ها، ابیاتی از آن داستان که نگارگر مستقیماً بدان توجه داشته شناسایی شده است. البته باید توجه داشت که هنرمند با بهره گیری از قابلیت نگارگری زوایای مختلف حکایت را در یک اثر به تصویر کشیده که اشعار آن مندرج در خود اثر نیست. از طرفی دیگر نوع ترکیب بندی در شکل، رنگ و بافت و همچنین حالات مختلف در انسانها و دیگر عناصر و نمادهایی که احیاناً به چشم می خورد از جمله مواردی هستند که در نوع بیان تصویری مؤثرند و تأثیر بسیاری بر بیننده می گذارند. بنابراین برای استنتاج بیان نگاره ها، بررسی این موارد ضروری است. در نهایت با عنایت به مطالبی که در فصل دوم پیرامون اساس حماسه و ارتباط حماسه با فتوت، عرفان و همچنین تقابل خیر و شر آمده، هر نگاره مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و حضور معانی عرفانی و حماسی در ظاهر اثر در حد امکان تبیین شده است.

وحدت بخشیده و از چشم نامحرمان پنهان کرده است. لذا برای دستیابی به باطن این نگاره ها، تأمل در معانی و شیوه بیان آنها ضروری است. انقطاع چندصد ساله فرهنگی سبب شده تا هر گونه رابطه نوشتاری با سنن قدیم از دست برود لذا برگردان بیان تصویری به حقیقت نخستین خود که همان مقصود و کلام نگارگران از طرح این مضامین است، کار را بیش از حد تصور دشوار می نماید.

از سویی به منظور شناخت دقیق حماسه و اثر آن در تفکر بشری و تعلق خاطر انسان به این گونه آثار در ادوار نخست تاریخی، آثار حماسی ملل باستان چون حماسه های بین النهرین، هند و یونان در فصل اول مورد توجه و مطالعه قرار گرفت و در حد نیاز به نمونه هایی از آثار هنری که به این حماسه ها و قهرمانان آن پرداخته بودند، اشاره گردیده است.

از آن جهت که تفکرات اساطیری بنیاد شکل گیری حماسه ملل باستان است، بررسی اسطوره ها نیز به موازات مطالعه آثار ضروری می نمود. در بررسی اسطوره ها دو نوع نگرش قابل تأمل وجود دارد. گروهی اسطوره ها را ساخته ذهن انسان، به واسطه ترس از نیروهای طبیعی می دانند و برخی آنها را حقایقی برمی شمارند که بواسطه دور ماندن از مبدأ وحی و غفلت از عهد نخستین، از حقیقت اصیل خود دور مانده اند.

تمام آثار حماسی، تمدنهای باستانی سعی نموده اند انسانی را معرفی نمایند که واجد کمالات و خصائل انسانی باشند. حکیم ابوالقاسم فردوسی دانای حکمت و شعر نیز در معرفی انسان کامل سعی فراوان نموده و اثر جاودانه ای را که بیانی از حقیقت تفکر اسلامی است در قالب مضامین ایرانی آنچنان بیان داشته که چون شیر و شکر به هم آمیخته و تاریخ ایران را که سراسر توحید و مبارزه برای حاکمیت تفکر توحیدی بود، در عالیترین بیان نمادین ارائه نموده است. بی شک شاهنامه، اثر جاودانه تاریخ تفکر بشری است و می توان آن را روایتی از جوانمردی و از خودگذشتگی پیروان خیر در مقابل سپاه شر برای همیشه تاریخ دانست.

هنرمندان نگارگر با بهره گیری از هنر این حکیم فرزانه، بیشترین مضامین آثار خود را از این کتاب اخذ نموده اند. زیرا اشعار فردوسی گذشته از ظاهر زوایای آن، تصویرهایی را ارائه می دهد که برای هنرمند نقاش همچون منبعی از صور خیال، صورتهای متعالی را عیان می کند. همچنین نگارگران مسلمان ایرانی، با استفاضه از منبع و مرجع عرفان اسلامی به فضا و بیانی دست یافته اند که ضمن توانائی طرح مضامین حماسی قابلیت طرح مباحث عرفانی و اخلاقی را نیز دارد. از این رو نگاره های حماسی توانسته اند از سطح روایت داستان گذر نموده و به حقیقت پنهان آن نیز نائل شوند.

شفق و وجد باطنی هر انسان آزاده ای در استماع حکایت های حماسی را می توان با درک صحیح از بیان نگارگری و مشاهده نگاره های حماسی دوچندان نمود. زیرا جلوه های که در این نگاره ها تجلی می کند تصویری از بیان تقابل خیر و شر و غلبه خیر در فضائی ملکوتی است. با مشاهده این نگاره ها بیننده احساس می کند صحنه های خشونت باری که در ظاهر مضامین حماسی است، در هاله ای از لطف و زیبایی، بیانی ملکوتی یافته است.

نگاره های حماسی در عین وحدت معنا، تفاوت هایی در نوع ترکیب بندی شکل و رنگ، با یکدیگر دارند که این تفاوتها در جهت تکمیل صورت و معنای هر یک از این نگاره ها است. مطلب قابل توجه این است که در نگاه نخستین، تشخیص و درک این ممیزات که ویژگی هر نگاره است، میسر نمی شود چرا که نگارگر با دقت و ظرافت هنرمندانه این ویژگیها را در پرده ای از رمز و راز